





سرشناسه: زُهوئی، دَن Zahavi, Dan
عنوان و نام پدیدآور: الفبای پدیدارشناسی / دَن زُهوئی؛ ترجمهٔ مریم خدادادی
مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۲۵۹ ص:؛ ۱۴×۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۳-۰۱۹-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "Phenomenology: the Basics" به فارسی ترجمه شده است.
یادداشت: عنوان اصلی: Fenomenologi
یادداشت: نمایه
موضوع: پدیده‌شناسی
موضوع: Phenomenology
شناسهٔ افزوده: خدادادی، مریم، ۱۳۶۳ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: BA۲۹/۵
رده‌بندی دیویی: ۱۴۲/۷
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۷۹۰۸۶



الفبای پدیدارشناسی

دَن زَهَوی

ترجمهٔ مریم خدادادی

مجموعه
به روایت فیلسوف
زیرنظر مسعود علیا



الفبای پدیدارشناسی

دَن زَهْوِی
ترجمه مریم خدادادی
نسخه پردازی: میترا سلیمانی
مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان
مدیر تولید: مصطفی شریفی
چاپ اول، بهار ۱۴۰۲ تهران، ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۱۳-۰۱۹-۹

نشر بیگل | Bidgol Publishing co. | 

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷
فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پلاک ۱۲۷۴
تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

bidgol.ir

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
	بخش اول
۲۱	مباحث بنیادی
۲۳	۱. پدیدارها
۳۵	۲. قصدیت
۶۱	۳. ملاحظات روش شناسانه
۷۹	۴. علم و زیست جهان
۹۹	۵. کاوش ژرف تر
۱۱۱	۶. پیشگفتار مرلویونتی بر پدیدارشناسی ادراک
	بخش دوم
۱۲۱	تحلیل های انضمامی
۱۲۳	۷. مکان مندی و بدن مندی
۱۴۷	۸. بیناسویژکتیویته و اجتماعیت
	بخش سوم
۱۷۳	پدیدارشناسی کاربردی
۱۷۵	۹. جامعه شناسی پدیدارشناسانه

۱۰. روان‌شناسی پدیدارشناسانه، پژوهش کیفی و علم شناختی ۱۹۵

۲۳۵ خاتمه

۲۳۹ واژه‌نامه

۲۴۵ منابع

۲۵۵ نمایه



تقدیم به آدام، امیل و جولی





پیشگفتار

در سال ۲۰۰۳، درآمد کوتاهی به پدیدارشناسی به زبان دانمارکی منتشر کردم. طی سال‌های پس از آن، این کتاب به زبان‌های آلمانی (۲۰۰۷)، ایسلندی (۲۰۰۸) و ژاپنی (۲۰۱۵) ترجمه شد. در سال ۲۰۱۶ با راتلج تماس گرفتم و پرس‌وجو کردم که آیا احیاناً علاقه‌ای به انتشار ترجمه انگلیسی آن دارند یا نه. خیلی زود به توافق رسیدیم، هرچند وقتی دست به کار ترجمه آن از زبان دانمارکی شدم، دریافتم که متن اصلی ۲۰۰۳ را می‌شود از جهات بسیاری بهبود بخشید. در نهایت بر آن شدم که متن را سراسر بازنگری و بازنویسی کنم. نتیجه کتابی بسیار مبسوط‌تر و، به باور خودم، به مراتب بهتر از نسخه قبلی از کار درآمد.

در این فرایند تا حدودی از مطالبی که در قالب مقالات مقدماتی و فصلی از این یا آن کتاب منتشر کرده‌ام، و پیش‌تر ترجمه شده‌اند، استفاده کرده‌ام، از جمله «پدیدارشناسی» در راهنمای فلسفه قرن بیستم راتلج؛ «جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه: سوپزکتیویته زندگی

1. "Phenomenology", in D. Moran (ed.), *Routledge Companion to Twentieth-Century Philosophy* (London: Routledge, 2008).

روزمره» (به همراه س. اورگارد) در مواجهه با امر روزمره: درآمدی بر جامعه‌شناسی‌های امور مغفول؛ «بیناسویژکتیویته» در راهنمای پدیدارشناسی راتلج^۲؛ «زمان، فضا و بدن در برگسون، هایدگر و هوسرل» (همراه با س. اورگارد) در مابعدالطبیعه کانتی معاصر: جستارهایی جدید در باب فضا و زمان^۳؛ «پدیدارشناسی طبیعی شده: امری مطلوب یا خلط مقوله؟»^۴؛ و «انواع پدیدارشناسی» در تاریخ تفکر اروپایی مدرن کمبریج^۵.



اجازه دهید از توماس بیستله، الساندرو دورانتی، ماگنوس انگلاندِر، سیمون هوفدینگ، پیت هوت، بنته مارتینسن، کریستیان مولتکه مارتینی، جیمز مورلی، سورن اورگارد، سوزان راون، و دانشجویانم در کپنهاگ به خاطر پیشنهادهای متنوع سودمندشان در مورد بخش‌های مختلف متن قدردانی کنم. به‌طور ویژه و صمیمانه سپاسگزار سارا هاینما هستم که تمام دست‌نوشته را خواند و نظرات بصیرت‌مندانه‌اش را در خصوص آن در اختیارم گذاشت.

1. "Phenomenological Sociology: The Subjectivity of Everyday Life" (with S. Overgaard), in M. Hviid Jacobsen (ed.), *Encountering the Everyday: An Introduction to the Sociologies of the Unnoticed* (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2009).
2. "Intersubjectivity", in S. Luft & S. Overgaard (eds.), *The Routledge Companion to Phenomenology* (Routledge: London, 2011).
3. "Time, Space and Body in Bergson, Heidegger and Husserl" (with S. Overgaard), in R. Baiasu, G. Bird & in R. Baiasu, G. Bird & A.W. Moore (eds.), *Contemporary Kantian Metaphysics: New Essays on Space and Time* (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2012).
4. "Naturalized Phenomenology: A Desideratum or a Category Mistake?" *Royal Institute of Philosophy Supplement* 72 (2013), 23-42.
5. "Varieties of Phenomenology", in W. Breckman & P.E. Gordon (eds.), *The Cambridge History of Modern European Thought* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019).

پدیدارشناسی یکی از سنت‌های غالب در فلسفه قرن بیستم به حساب می‌آید. ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) [۱] بنیان‌گذارش بود، اما مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶) [۲]، ژان پل سارتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰) [۳]، موریس مرلوپونتی (۱۹۰۸-۱۹۶۱) [۴] و امانوئل لویناس (۱۹۰۵-۱۹۹۵) [۵] دیگر حامیان تأثیرگذارش بودند. یک دلیل تأثیرگذاری این سنت آن است که تقریباً همه نظریه‌پردازی‌های بعدی در فلسفه آلمانی و فرانسوی را می‌توان بسط پدیدارشناسی یا واکنش به آن دانست. در نتیجه، پیدا کردن درک درستی از پدیدارشناسی نه تنها به خاطر خودش، بلکه از آن رو که همچنان شرط لازم برای فهم تحولات بعدی در نظریه‌پردازی قرن بیستم است اهمیت دارد.

در طول سال‌ها، پدیدارشناسی در بسیاری از حوزه‌های فلسفه مساهمت‌های مهمی داشته است و تحلیل‌های بدیعی از موضوعاتی همچون قصدیت^۲، ادراک^۳، بدن‌مندی^۴، عواطف^۵،

1. contribution
2. intentionality
3. perception
4. embodiment
5. emotions

خودآگاهی^۱، بیناسوبژکتیویته، زمانمندی^۲، تاریخ‌مندی^۳ و حقیقت^۴ به دست داده است. پدیدارشناسی نقدهایی هدفمند به فروکاست‌گرایی^۵، عینی‌انگاری [یا ابژکتیویسم]^۶ و علم‌گرایی^۷ وارد ساخته و در دفاع از اعاده جایگاه زیست‌جهان^۸ به تفصیل استدلال کرده است. پدیدارشناسی با شرح مفصل اگزیستانس [یا وجود]^۹ بشری^۹، که در آن سوژه همچون در-جهان-بودنی^{۱۰} بدن‌مند و واقع در بستری اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود، مواد و مطالب بسیار مهمی برای طیف کاملی از رشته‌های تجربی اعم از روان‌پزشکی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات ادبی، انسان‌شناسی و معماری فراهم کرده است.

با اینکه بسیاری از آن دسته از آثار پدیدارشناختی که در حال حاضر کلاسیک محسوب می‌شوند در نیمه اول قرن بیستم نوشته شدند، پدیدارشناسی همچنان منبع الهام است و در سال‌های اخیر علاقه به آن احیا شده است. در واقع گراف نخواهد بود اگر ادعا کنیم که پدیدارشناسی در حال حاضر چیزی شبیه رئسانس را از سر می‌گذراند.

هرچند پدیدارشناسی، به شیوه‌های زیادی، به شکل جنبشی ناهمگن با شاخه‌های بسیار بسط یافته است، هرچند تمامی پدیدارشناسان پسا‌هوسرلی از جنبه‌های متعدد از برنامه اصلی

1. self-consciousness
2. temporality
3. historicity
4. truth
5. reductionism
6. objectivism
7. scientism
8. life-world
9. human existence
10. being-in-the-world

هوسرل فاصله گرفته‌اند، و هرچند گزارف خواهد بود اگر ادعا کنیم که پدیدارشناسی نظامی فلسفی است با پیکره‌ای از آموزه‌ها که به وضوح ترسیم شده است، ولی نباید بر دغدغه‌های فلسفی فراگیر و درون‌مایه‌های مشترکی که به طرف‌داران این سنت وحدت بخشیده‌اند و همچنان هم وحدت می‌بخشند چشم بیندیم.

با توجه به اینکه ادای حق مطلب در مورد همه پدیدارشناسان در کتابی مقدماتی مثل این کتاب کاری ناشدنی خواهد بود، عمدتاً از کار هوسرل، هایدگر (متقدم) و مرلوپونتی بهره خواهیم جست — سه متفکری که تأثیر سرنوشت‌سازشان بر تطور پدیدارشناسی انکارناپذیر است. در حالی که بسیاری از کتاب‌های مقدماتی درباره پدیدارشناسی بر فصول جداگانه‌ای در باب این متفکران مشتمل‌اند، من در این کتاب به شیوه‌ای متفاوت پیش خواهیم رفت. به جای بیان و برجسته ساختن تفاوت‌های آنها — تفاوت‌هایی که، به نظر من، به سبب سوءتفسیری بنیادی از ایده‌های مبنایی هوسرل غالباً در مورد آنها اغراق شده است — عمدتاً بر اشتراکات آنها تأکید خواهیم کرد. در بخش نخست کتاب، بر خود آن دریافتی از فلسفه که در پدیدارشناسی یافت می‌شود تمرکز خواهیم کرد. از مسئله روش، تمرکز بر منظر اول شخص، و تحلیل زیست‌جهان بحث خواهیم کرد و نیز به اختصار توصیف خواهیم کرد که این سنت چگونه تطور یافته است. در دومین بخش کتاب، ملاحظاتی را که بیشتر به روش‌شناسی مربوط‌اند کنار خواهیم گذاشت و به جای آن مثال‌ها و مدل‌های جزئی‌تری از تحلیل‌های پدیدارشناختی انضمامی به دست خواهیم داد. ابتدا تحقیقات پدیدارشناسانه درباره مکان‌مندی^۱ و بدن‌مندی

را بررسی خواهیم کرد و سپس به سراغ تحلیل‌هایی از سوپرتکتیویته و اجتماع^۱ خواهیم رفت.

سومین بخش کتاب نشان خواهد داد که پدیدارشناسی را به چه ترتیبی در خارج از فلسفه به کار بسته‌اند. به‌طور خاص توصیف خواهیم کرد که پدیدارشناسی چگونه بر بحث‌هایی در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علم شناختی تأثیر گذاشته است.

مقصود اصلی من از نوشتن این کتاب این بوده است که پدیدارشناسی را ارائه کنم، نه اینکه از آن دفاع کنم. خلاصه اینکه هدف این بوده است که شماری از ایده‌های پدیدارشناسانه متمایز را به آسان‌یاب‌ترین وجه ممکن شرح دهم، نه اینکه از این ایده‌ها در برابر نقدهای گوناگونی که علیه‌شان مطرح شده‌اند دفاع کنم. همچنین، سعی کرده‌ام بحث از اختلافات و مناقشات تفسیری را به حداقل برسانم. خوانندگان علاقه‌مند به دفاعی نظام‌مندتر از پدیدارشناسی یا پرداختن عالمانه مبسوط‌تر به مکتوبات پژوهشی بهتر است به سراغ آثار دیگری بروند. [۶]

یادداشت‌ها

۱. ادموند هوسرل در سنی نسبتاً دیرهنگام وارد عرصهٔ فلسفه شد. او، که متولد پرستی‌یه‌یو [یا پروسنیتس] در موراویا بود (که در آن زمان بخشی از امپراتوری اتریش محسوب می‌شد)، در لایپزیگ، برلین و وین به تحصیل فیزیک، ریاضیات، نجوم و فلسفه پرداخت. پایان‌نامهٔ دکتری ریاضیات را در سال ۱۸۸۳ به سرانجام رساند و تازه در سال‌های پس از آن بود که علاقه‌ای جدی به فلسفه پیدا کرد، و این علاقه تا حدی حاصل حضور او در درس‌های فرانتس برنتانو^۱ی روان‌شناس و فیلسوف بود. نخستین اثر مهم هوسرل، پژوهش‌های منطقی^۲، در ۱۹۰۱-۱۹۰۰ منتشر شد و براساس همین اثر بود که هوسرل دعوت‌نامه‌ای از گوتینگن دریافت کرد و در آنجا از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۶ به تدریس پرداخت. دومین اثر مهم او، ایده‌هایی دربارهٔ پدیدارشناسی محض و فلسفهٔ پدیدارشناسانه^۳، در سال ۱۹۱۳ انتشار یافت. در سال ۱۹۱۶ هوسرل به فرایبورگ نقل مکان کرد و در آنجا کرسی فلسفه را از هاینریش ریکرت^۴ نوکانتی به ارث برد. در سال‌های بعدی، هم ادیت اشتاین^۵ و هم مارتین هایدگر دستیار او شدند. در سال ۱۹۲۸ که هوسرل بازنشسته شد، هایدگر جایش را گرفت. هوسرل اندکی پس از بازنشستگی‌اش کتاب‌های منطق صوری و استعلایی^۶ (۱۹۲۹) و تأملات دکارتی^۷ (۱۹۳۱) را منتشر کرد. در طول دههٔ سی، گرفتار شرایط تحمیلی رژیم ناسیونال سوسیالیست آلمان شد. هوسرل، که به جهت تبار یهودی‌اش از هر نوع فعالیت دانشگاهی رسمی محروم ماند، حق تدریس و انتشار و نیز در نهایت شهروندی آلمان را از دست داد. با آنکه از این شرایط عمیقاً متأثر شده بود، به کارش ادامه داد و با شوقی حتی بیشتر از قبل بر

1. Franz Brentano
2. *Logical Investigations*
3. *Ideas Pertaining to a Pure Phenomenology and to a Phenomenological Philosophy I*
4. Heinrich Rickert
5. Edith Stein
6. *Formal and Transcendental Logic*
7. *Cartesian Meditations*

اهمیت فلسفه تأکید کرد، در روزگاری که اروپا در حضيض خردگریزی فرومی‌رفت. هوسرل در سال ۱۹۳۵ برای سخنرانی در وین و پراگ دعوت شد و این سخنرانی‌ها شالودهٔ آخرین اثر او را فراهم آوردند، یعنی بحران علوم اروپایی و پدیدارشناسی استعلایی: درآمدی به فلسفهٔ پدیدارشناسانه^۱ (۱۹۳۶). اندکی پس از مرگ هوسرل در ۲۷ آوریل ۱۹۳۸، فرانسیسی^۲ جوانی به نام هرمان لئو فان بردا^۳ موفق شد بسیاری از دست‌نوشته‌های پژوهشی هوسرل را پنهانی از آلمان خارج کند و به جای امنی در صومعه‌ای در بلژیک برساند. پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، آرشيو هوسرل در لوون تأسیس شد، و دست‌نوشته‌های اصلی را هنوز همان‌جا می‌توان یافت.

۲. هایدگر ابتدا به تحصیل الهیات کاتولیک و فلسفهٔ قرون وسطی در فرایبورگ پرداخت، اما در سال ۱۹۱۱ تصمیم گرفت بر فلسفه متمرکز شود. او در سال ۱۹۱۳ از رساله‌اش و دو سال بعد هم از رسالهٔ صلاحیت تدریسش با عنوان نظریهٔ دونس اسکوتوس در باب مقولات و معنا^۴ دفاع کرد. این اثر اخیر به ریکرت تحویل داده شد، فیلسوفی که جانشینش هوسرل بود. هایدگر از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۳ به‌عنوان دستیار هوسرل کار می‌کرد؛ در سال ۱۹۲۳ استاد بدون کرسی در دانشگاه ماربورگ شد. در سال ۱۹۲۷ شاهکار هایدگر، هستی و زمان^۵، انتشار یافت و در سال ۱۹۲۸ کرسی هوسرل در فرایبورگ را در اختیار گرفت. در سال ۱۹۲۹ هایدگر سخنرانی معروف آغازیه‌کارش را ایراد کرد: مابعدالطبیعه چیست؟^۶ پس از به قدرت رسیدن هیتلر، هایدگر به ریاست دانشگاه فرایبورگ برگزیده شد و به عضویت حزب نازی درآمد. اما کمتر از یک سال بعد از ریاست دانشگاه کناره گرفت و به تدریج از سیاست دانشگاهی دوری جست. به گواهی انتشار کتابی

1. *The Crisis of European Sciences and Transcendental Phenomenology: An Introduction to Phenomenological Philosophy*
2. Franciscan
3. Herman Leo van Breda
4. *Duns Scotus' Theory of the Categories and of Meaning*
5. *Being and Time*
6. *What is Metaphysics?*

از او موسوم به دفترچه‌های سیاه^۱ که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد و نوعی خاطرات روزانه فلسفی است، سر و سرّ هایدگر با نازیسیم نه کوتاه مدت بود و نه سطحی. هایدگر تا سال ۱۹۴۴ پیوسته تدریس می‌کرد، اما بعد از پایان جنگ به دلیل تعلقات سیاسی‌اش از تدریس منع و در سال ۱۹۴۶ از کرسی استادی‌اش محروم شد. هایدگر در سال ۱۹۴۹ دوباره به سمت استاد بازنشسته منصوب شد و از آن پس و تا مدت کوتاهی پیش از مرگش، سخنرانی‌های بسیاری کرد. در همین دوره بود که آثار مهمی همچون زبان (۱۹۵۰)، ساختن سکونت اندیشیدن^۲ (۱۹۵۱) و پرسش از تکنولوژی^۳ (۱۹۵۳) را نوشت.

۳. سارتز در اکول نرمال سوپریور^۴ فلسفه خواند و در آنجا با نسل پروپیمانی از روشنفکران پیشرو فرانسوی آشنا شد، از جمله سیمون دو بووار، رمون آرون^۵، موریس مرلوپونتی، سیمون وی، امانوئل مونیّه^۶، ژان ایپولیت^۷ و کلود لوی-استروس. رابطه او با هم‌قطار فیلسوفش دو بووار رابطه‌ای افسانه‌ای شد. در دوره ۱۹۴۵-۱۹۳۱، سارتز در دبیرستان‌هایی در لو آور، لان، و پاریس تدریس کرد. در اوایل دهه سی از طریق آرون و لویناس با فلسفه هوسرل و هایدگر آشنا شد و در سال‌های ۱۹۳۳-۱۹۳۴ برای تحصیل پدیدارشناسی به برلین رفت. سارتز در نیمه دوم دهه سی چهار کتاب در باب آگاهی منتشر ساخت: تعالی آگو^۸، که با ساختار خود آگاهی سروکار دارد (۱۹۳۶)، تخیل^۹ (۱۹۳۶)، امر خیالی^{۱۰} (۱۹۴۰) و طرحی برای نظریه عواطف^{۱۱} (۱۹۳۹). هر چهار اثر نشان‌دهنده آشنایی سارتز با فلسفه هوسرل‌اند. وقتی جنگ جهانی دوم درگرفت، سارتز به خدمت

1. *Black Notebooks*
2. *Building Dwelling Thinking*
3. *The Question Concerning Technology*
4. *École Normale Supérieure*
5. Raymond Aron
6. Emmanuel Mounier
7. Jean Hippolyte
8. *The Transcendence of the Ego*
9. *Imagination*
10. *The Imaginary*
11. *Sketch for Theory of the Emotions*

اعزام شد و در سال ۱۹۴۰ به اسارت آلمانی‌ها درآمد. او در دورهٔ اسارتش هستی و زمان هایدگر را مطالعه کرد. بعد از آزادی‌اش در سال ۱۹۴۱، به فعالیت در نهضت مقاومت پرداخت و در سال ۱۹۴۳ شاهکار فلسفی‌اش، هستی و نیستی^۱، را منتشر کرد، که به‌روشنی از تأثیر هایدگر بر او حکایت دارد. در سال ۱۹۴۵ نشریهٔ ادبی و سیاسی له تان مدرن [روزگار مدرن^۲] را تأسیس کرد، که سال‌های سال سردبیر آن بود (در دوره‌هایی همراه با مرلوپونتی سردبیری نشریه را به عهده داشت). سارتر بعد از جنگ تصمیم گرفت که از تدریس دست بکشد تا خودش را وقف کار ادبی و سردبیری‌اش کند. با این حساب، سارتريکی از معدود فیلسوفان تأثیرگذار قرن بیستم است که شغل دانشگاهی نداشتند. در دورهٔ پس از جنگ، درگیری سیاسی سارتر و نیز همدلی‌اش با مارکسیسم و ستایش او از اتحاد شوروی افزایش یافت، گرچه هیچ‌وقت عضو حزب کمونیست نشد. حمایت سارتر از اتحاد شوروی تا سال ۱۹۵۶ که شوروی به مجارستان حمله کرد پابرجا ماند. سارتر در سال ۱۹۶۰ دومین اثر اصلی‌اش را منتشر کرد: نقد عقل دیالکتیکی^۳، که گواه دل‌مشغولی سیاسی و اجتماعی اوست. سارتر در سال ۱۹۶۴ برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات شد، اما به دلایل اصولی از پذیرفتن جایزه امتناع کرد. او تا اواخر عمرش به لحاظ سیاسی فعال ماند. سارتر مخالف جنگ فرانسه در الجزایر بود، در کنار برتراند راسل^۴ علیه جنگ ویتنام فعالیت می‌کرد، و نیز از حامیان صریح اعتراضات مه ۱۹۶۸ در پاریس بود. وقتی در آوریل ۱۹۸۰ درگذشت، ۵۰ هزار نفر در مراسم تشییعش شرکت کردند.

۴. مرلوپونتی در اکول نرمال سوپریور، مدرسه‌ای معتبر در پاریس، فلسفه خواند. او نخستین خارجی‌ای بود که در آوریل ۱۹۳۹ از آرشيو تازه‌تأسیس هوسرل در لوون دیدن کرد. مرلوپونتی نخستین کتابش، ساختار رفتار^۵، را در سال ۱۹۴۲ و کتابی را که مسلماً اثر اصلی اوست،

1. *Being and Nothingness*
2. *Les Temps Moderne*
3. *Critique of Dialectical Reason*
4. Bertrand Russell
5. *The Structure of Behavior*

پدیدارشناسی ادراک^۱، در سال ۱۹۴۵ منتشر کرد. در سال ۱۹۴۹ استاد روان‌شناسی کودک و تعلیم‌وتربیت در سوربن شد و در سال ۱۹۵۲ به ریاست کرسی فلسفه در کولژ دو فرانس انتخاب شد، جوان‌ترین شخصی که تا آن وقت به این سمت منصوب شده بود، و این سمت را تا زمان مرگش در مه ۱۹۶۱ حفظ کرد. مرلوپونتی پس از جنگ جهانی دوم بیش از پیش درگیر سیاست شد و چند کتاب و جستار منتشر کرد، از جمله انسان‌گرایی و ارعاب^۲ (۱۹۴۷)، معنا و بی‌معنایی^۳ (۱۹۴۸) و ماجراهای دیالکتیک^۴ (۱۹۵۵). او به موازات علایق سیاسی‌اش به تدریس ادامه داد، و بسیاری از درس‌هایش در سوربن و کولژ دو فرانس گواه علاقه گسترده او به سایر رشته‌هاست، از جمله روان‌شناسی کودک، زبان‌شناسی ساختاری، قوم‌شناسی و روان‌کاوی. در سال ۱۹۶۰ نشانه‌ها^۵، مجلد دیگری از جستارهایش، انتشار یافت و در سال ۱۹۶۴ کتاب ناپیوسته دیدنی و نادیدنی^۶، که بسیاری آن را دومین اثر بزرگ مرلوپونتی می‌دانند، پس از مرگ او منتشر شد.

۵. امانوئل لویناس در کاوناس لیتوانی (که در آن زمان بخشی از امپراتوری روسیه بود) دیده به جهان گشود. پس از تکمیل دبیرستان به فرانسه رفت و آنجا در استراسبورگ به تحصیل فلسفه مشغول شد. در سال ۱۹۲۸ در فرایبورگ نزد هوسرل و هایدگر تحصیل کرد. لویناس نهایتاً تأملات دکارتی هوسرل را (همراه باگ. پایفر^۷) به زبان فرانسه ترجمه کرد و وقتی رساله دکتری‌اش، نظریه شهود در پدیدارشناسی هوسرل^۸، در سال ۱۹۳۱ منتشر شد، شهرتش به‌عنوان یکی از متخصصان برجسته پدیدارشناسی آلمانی در فرانسه تثبیت شد. در آغاز جنگ جهانی دوم، لویناس شهروند فرانسه شده بود، و به خدمت در ارتش فراخوانده

1. *Phenomenology of Perception*
2. *Humanism and Terror*
3. *Sense and Non-Sense*
4. *Adventures of the Dialectic*
5. *Signs*
6. *The Visible and the Invisible*
7. G. Peiffer
8. *The Theory of Intuition in Husserl's Phenomenology*

شد. او، همانند سارتر، خیلی زود به اسارت درآمد و باقی جنگ را در اسارت آلمانی‌ها گذراند. از همین رو، از سرنوشت بیشتر اعضای خانواده یهودی‌اش که به دست آلمانی‌ها کشته شدند جان به در برد. لویناس پس از جنگ مدیر دانش‌سرای اسرائیلی شرقی^۵ در پاریس شد و سپس سمت‌هایی در دانشگاه پواتیه (۱۹۶۱)، نانتر (۱۹۶۷) و از سال ۱۹۷۳ در سوربن پاریس یافت. نخستین آثار پس از جنگ لویناس، از وجود به موجود^۶ (۱۹۴۷)، زمان و غیر^۷ (۱۹۴۸) و کشف وجود همراه با هوسرل و هایدگر^۸ (۱۹۴۹)، هنوز از دین لویناس به هوسرل و هایدگر حکایت دارند، اما از همان زمان به بیان درون‌مایه‌هایی می‌پردازند که مشخصه تفکر خود لویناس‌اند، مثل نقش دیگری، و رابطه میان اخلاق‌شناسی و هستی‌شناسی. کار لویناس در باب این موضوعات اخیر در دو شاهکار او به اوج می‌رسد: تمامیت و نامتناهی^۹ (۱۹۶۱) و ماسوای هستی یا فراسوی بودن^{۱۰} (۱۹۷۴). لویناس، در کنار آثار فلسفی پرتعدادش، مجموعه‌ای از تفاسیر تلمودی و جستارهایی در باب یهودیت هم منتشر کرده است (از جمله آزادی دشوار^{۱۱} (۱۹۶۳) و نه خوانش تلمودی^{۱۲} (۱۹۷۷/۱۹۶۸)).

۶. برای نمونه، بنگرید به:

Zahavi 2003, 2005, 2014, 2017; Gallagher & Zahavi 2012.

1. École normale israélite orientale
2. *From Existence to Existents (De l'existence a l'existant)*
3. *Time and the Other*
4. *Discovering Existence with Husserl and Heidegger*
5. *Totality and Infinity*

۶. *Otherwise than Being or Beyond Essence*: لویناس در عنوان این کتاب کلمه essence را نه به معنای ذات بلکه به معنای بودن یا وجود داشتن به کار می‌برد. —م.

7. *Difficult Freedom*
8. *Nine Talmudic Readings*